

تازه‌های نشر

انتشار کتابی درباره نویسنده بزرگ قرن بیستم چه کسی آلب کامورا کشت؟ به نقل از سایت مد و مه مدار کی به دست آمده که نشان می‌دهد آلب کامورا، نویسنده شهیر فرانسوی-الجزایری در یک تصادف معمولی جان خود را از دست نداده است، بلکه به دست گروه «کاگ ب» ترور شده است. اکنون بیش از یک قرن از مرگ نویسنده بزرگ مدرنیسم می‌گذرد و خبری در جهان منتشر شده است که شوک بزرگی را به ادبیات جهان وارد کرده است؛ یعنی تصادفی که منجر به مرگ آلب کامورا شده است از طرف گروه کاگ ب طراحی شده است و شواهد نشان می‌دهد که دولت فرانسه نیز از این اتفاق ناخرسند نبوده و از مرگ کامورا سود برده است.

ماجرا این است که به تازگی کتابی در اروپا منتشر شده است که ادعا می‌کند تصادف اتومبیل گالیمار و کامورا یک طراحی از پیش از تعیین شده است. تحقیقات این کتاب بر اساس یافته‌های باستانی شده و همچنین ادعای برخی از چهره‌های ادبی و تعدادی دفترچه خاطرات کشف شده است و نشان می‌دهد که دولت وقت فرانسه نیز در این طراحی از پیش تعیین شده دست داشته باشد. این کتاب ۶۰ سال پس از مرگ آلب کامورا، برنده جایزه نوبل ادبیات منتشر شده و استدلال می‌کند که آلب کامورا در تلاقی موضع گیری‌ها و حرف‌های ضد شوروی‌اش از طرف جاسوسان کاگ ب ترور شده است.



جیوانی کاتلی نخستین بار در سال ۲۰۱۱ نظریه‌ای منتشر کرد و آن‌چه از دفترچه خاطرات شاعر و مترجم مشهور اهل چک کشف کرده بود، نوشت که مرگ آلب کامورا یک تصادف نبوده است. اکنون جیوانی کاتلی در کتابی با عنوان «مرگ کامورا» تحقیقات خود را گسترش داده و استدلال‌های تازه‌ای به میان آورده است.

وی ۸ سال پیش ادعا کرد که تصادفی اتومبیلی که در آن غول ادبی فرانسه در سال ۱۹۶۰ کشته شد، تصادفی نبوده است. در جیب کامورا یک بلیت قطار استفاده نشده از خانه‌اش به پاریس یافت شد. کامورا قصد داشت بعد از تعطیلات کریسمس به مسافرت برود، اما دوست و ناشرش، میشل کالیمار پیشنهاد داد با او همراه شود. پس از حادثه پلیس این بلیت قطار و ۱۴۴ صفحه دست‌نوشته «مرد اول» را کشف کرد؛ رماتی ناتمام بر اساس کودکی کامورا در الجزایر که خودش گفته بود، بهتر اثرش خواهد شد.

در این نظریه که ۸ سال پیش مطرح شد، نویسنده ایتالیایی اعلام کرد که احتمالاً جاسوسان اتحاد جماهیر شوروی پشت این تصادف بوده‌اند. جیوانی کاتلی بر اساس دفترچه خاطرات ژان زبرنای چک نوشت: «من حرف‌های بسیار عجیبی از دهان کسی شنیدم که چیزهای زیادی می‌دانست و منابع بسیار مطلعی داشت. جاسوسان اتحاد شوروی با استفاده از قطعه‌ای بسیار پیشرفته باعث ایجاد سوراخی در چرخ اتومبیل شدند و به لاستیک اتومبیلی که نویسنده بزرگ جهان مدرن در آن سفر می‌کرد آسیب رساندند.

برخی این حادثه را دستور مستقیم دمتری شپیلوف، وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی در واکنش به سرمقاله کامورا در سال ۱۹۵۷ می‌دانند؛ مقاله‌ای که در آن کامورا مستقیماً از شپیلوف نام برد و به او حمله کرد. در این مقاله کامورا قتل عام‌های شپیلوف برای سرکوب قیام مجارستان در سال ۱۹۵۶ را محکوم کرد و یک سال بعد آلب کامورا رسماً از بوریس پاسترناک، نویسنده روسی و برنده جایزه نوبل که رمان «دکتر ژواگو» را نوشته بود، حمایت کرد؛ اثری که استالین انتشار آن را در شوروی ممنوع اعلام کرد. اکنون کتاب «مرگ کامورا» دلایل و مستندات زیادی برای ترور آلب کامورا، نویسنده آزادخواه قرن بیستم ارائه کرده است.

آنچه که کتاب خوانی مردم را تهدید می‌کند، نه سایت‌های اینترنتی است، نه دنیای دیجیتال، بلکه ترجمه‌های بد، موازی و ناجور از یک اثر است که معمولاً با هم به بازار می‌آیند

آنچه که مردم را تهدید می‌کند تا کتاب خوانی دور شوند، نه سایت‌های اینترنتی هستند، نه دنیای دیجیتال، بلکه ترجمه‌های بد، موازی و ناجور از یک اثر است که معمولاً با هم به بازار می‌آیند. زمانی که این کتاب‌ها به بازار نشر وارد می‌شوند، مشتری و مخاطب و خواننده نمی‌تواند با متن از تباطر برقرار کند و این موضوع به کار آسیب می‌زند. تصحیح این مشکل به دست ناشر است. ناشر با دقت و توجه در کتاب‌هایی که منتشر می‌کند، می‌تواند مانع انتشار آن‌ها شود.

اکنون در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که تبلیغات، فروش و میزان کتاب خوانی مردم تغییر کرده و شکل کتاب به شکل دیجیتالی تغییر شکل یافته است. همه می‌دانیم که نسل امروز دچار تغییر موضع شده و ممکن است نوع مطالعه آن‌ها تحت تأثیر فناوری قرار گیرد. این شرایط، به نوعی مقداری از عمق رفتار جامعه را کم کرده است. ما با خوانندگانی مواجه هستیم که به سمت کوتاه خواندن روی آورده‌اند. اما مسئله نگران‌کننده آن جاست که نسل جوان بی‌خبر از میراث فرهنگی گذشته باشد.

ادبیات، بخشی از آن چیزی است که هر فردی نیاز دارد بخواند، بخش‌های دیگر آن تاریخ، علوم نظری، تئوری‌ها و غیره است و اگر از آن‌ها دور شویم به همه این علوم آسیب جدی وارد خواهد شد. زیرا بخش زیادی از آینده‌ای که درباره آن صحبت می‌شود، به این بستگی دارد که چقدر از گذشته را به آیندگان منتقل کنیم؛ این دغدغه به عهده نسل میانی است که بتواند قصه هزار و یک شب را به نسل جدید منتقل کند؛ زیرا هزار و یک شب با وجود همه بازنویسی‌ها و تصحیح‌ها، به هر حال برای نسل جدید نوشته نشده است.

ضرورت آموزش‌های حرفه‌ای به کتاب‌فروشان

افراد برای کتاب‌فروش شدن غیر از علاقه و تجربه باید دوره‌های مختلفی در این حوزه ببینند و به عنوان مثال بدانند شعر ترکی چند شاعر مهم دارد و چه ترجمه‌هایی از این شاعران داریم یا هر شاعر به کدام موضوع علاقه دارد. تمام این‌ها اطلاعاتی است که یک کتاب‌فروش می‌تواند به مخاطب منتقل کند که در واقع در سایت‌های فروش اینترنتی معمولاً به چنین نکات و اطلاعاتی دسترسی ندارند. ناشران از طریق کتاب‌فروشان می‌توانند ارتباط خود را با مخاطب‌شان حفظ کنند.

ناشر باید بداند مخاطب امروز چه دغدغه ذهنی دارد و اگر فکر می‌کند یک سر و گردن از بقیه اجزای نشر بالاتر ایستاده و می‌تواند رهبر خوبی برای ایجاد فکر در جامعه باشد، باید از این دانقده هم باخبر باشد. یک ناشر باید نسبت به مخاطبان کتاب‌هایش آگاهی کامل داشته باشد و بداند اگر کتابش، بدون مخاطب باشد، چه سرنوشتی در انتظارش است، زیرا اگر ناشری که تجارت می‌کند، باید بداند جامعه چه می‌خواند یا دوست دارد چه بخواند.

ناشر برای این که بتواند زنده بماند و به حیات خود ادامه دهد، باید کارشناسی انتخاب کتاب را با دقت بالایی انجام دهد و در ادامه هم بر ویراستاری و نمونه‌خوانی و ترجمه نظارت داشته باشد.



نگاهی به شرایط یکی از حلقه‌های مهم صنعت نشر کتاب‌فروشی، سوپرمارکت نیست

صنف نیازمند کتاب‌فروش حرفه‌ای است که بداند چه می‌فروشد. کتاب‌فروشی حتی در حوزه‌های تخصصی هم این‌گونه است و اگر یک کتاب‌فروش نداند که به عنوان مثال در حوزه پزشکی چند تخصص وجود دارد و از جزئیات آن مطلع نباشد، طبیعتاً نمی‌تواند فروشنده خوبی شود.

آیا در آینده فعالیت کتاب‌فروشان کم‌رنگ می‌شود؟

این‌که آیا در آینده فعالیت کتاب‌فروشان کم‌رنگ می‌شود یا خیر، بستگی به تلاش کتاب‌فروشان دارد. مخاطبانی هستند که وقتی یک کتاب‌فروش اطلاعات خوبی در اختیارشان قرار می‌دهد، دفعه بعد به کتاب‌فروشی دیگری نمی‌روند و مشتری ثابت فروشگاه باقی می‌ماند. مسئله این است که در واقع مشتری خدمات و اطلاعات کتاب را از کتاب‌فروش دریافت می‌کند؛ اگر چه ممکن است بخش زیادی از فروش کتاب با سایت امکان‌پذیر باشد، اما اصلاً قابل مقایسه با تجربه کردن و قرار گرفتن در محیط کتاب‌فروشی و بهره‌مندی از اطلاعات کتاب‌فروش نیست. کتاب‌فروش خود تعیین می‌کند که چگونه باید کار کند، سوپرمارکتی کار سوپرمارکتی کار کردن یعنی فرقی نکند که افراد حضوری یا اینترنتی خرید کنند. شیوه‌ای که در آن ارتباط انسانی و سهیم شدن در تجربه‌های خواندن است، کاملاً با این نوع فروش فرق دارد.

کتاب‌فروش می‌تواند با شناخت جنس کتاب، زمینه‌ای فراهم کند تا مخاطب به حوزه‌های دیگر نیز نزدیک شود

بقا و ماندگاری باید به کتاب‌شناسی برسند. کار کتاب‌فروش، کاری تجربی است و نیاز به تحقیق و تعمق و آگاهی در حوزه‌های مختلف دارد، کتاب‌فروش باید بداند اگر افرادی علاقه‌مند به کتاب را به کار نگیرد و نخواهند دست به تجربه-گرایی بزنند، کار دشوار می‌شود؛ زیرا فرمول منبع دانشگاهی خاصی وجود ندارد که فردی را کتاب‌فروش کند. تأمین مالی کتاب‌فروشان مشکل بزرگ بقای آن‌هاست. البته با شرایط اقتصادی ناپهناج، بعید به نظر می‌رسد که کسی به این شغل نگاه تخصصی داشته باشد. برای این که یک نفر، کتاب‌فروش حرفه‌ای شود، عمر و وقت زیادی از او صرف می‌شود. کتاب‌فروش شدن، کاری بسیار دشوار است و با حرکت صنعت نشر به سمت فناوری امروز و دنیای دیجیتال، این

داده و به صورت بسته‌های پیشنهادی در اختیار مخاطب قرار دهد، اما تاکنون در هیچ یک از سایت‌های فروش چنین بسته‌هایی وجود نداشته است که مخاطب با استفاده از آن به خرید کتاب‌های مشابه ترغیب شود. کتاب‌فروشی می‌تواند با شناخت جنس کتاب، زمینه‌ای فراهم کند تا مخاطب به حوزه‌های دیگر نیز نزدیک شود؛ همچنین می‌تواند از نظر طبقه‌بندی و دسته‌بندی کتاب برای سهولت دسترسی تلاش کند. اما ناگفته پیداست که اجرایی شدن این شرایط نیازمند کتاب‌فروشان است که دانش کافی در زمینه کتاب داشته باشند؛ وقتی کتاب‌فروش نمی‌داند چه می‌فروشد و برای او فرقی ندارد که کتاب می‌فروشد یا دفتر، ادامه فعالیت او با رشد تکنولوژی و فناوری‌های نوین به مرور زمان، دچار بحران و تغییر می‌شود، اما اگر بداند کتابی که می‌فروشد چه موضوعی دارد و بداند که در همان زمینه چه آثار دیگری از چه نویسندگانی منتشر شده است، طبیعتاً بهتر می‌تواند مخاطب را برای خرید کتاب به ویژه کتابی با موضوع مشابه یا از همان نویسنده علاقه‌مند کند. کتاب‌فروشان برای



فسانه فردان

آینده فعالیت کتاب‌فروشان به عنوان یکی از حلقه‌های مهم ماندگاری صنعت نشر مسئله مهمی است که باید به‌طور جدی درجه اول تأمین منابع مالی و امنیت اقتصادی کتاب‌فروش مسئله بسیار مهمی است. کتاب‌فروش خوب برای بقا نیاز به تأمین دارد که با شرایط سخت امروز از طریق تقریباً ناممکن شده است. یکی از موارد و مشکلات این است که در سال‌های اخیر، فروش مستقیم کتاب توسط ناشران، به کتاب‌فروشان و این شغل ضربه جبران‌ناپذیری زده است، اما با همه تغییرات تکنولوژیکی که در حوزه چاپ و نشر رخ داده، باز هم کتاب‌فروشان می‌توانند به بقای خود ادامه دهند.

یک کتاب‌فروش حتی در این فضا هم می‌تواند داده‌هایی برای حوزه دیجیتال تعریف کند؛ یعنی کتاب‌فروش می‌تواند کتاب‌های همسان و هم‌گروه را در کنار هم قرار

«دریاس و جسدها» رماتی در تمنای آزادی است

اینجا مردگان از زنده‌ها، زنده‌ترند

آبلن مصدق

بختیار علی را در ایران بیشتر با رمان «آخرین انار دنیا» می‌شناسند؛ رماتی که معرف ادبیات معاصر کردی بود و او را شاخص‌ترین نویسنده‌اش معرفی می‌کرد. نویسنده‌ای با قلمی قدرتمند و توانا در خلق تصاویری گیرا و پکر که فرم گرایشی در رمان را به رخ‌رمان نویسان بزرگ جهان کشید و دیوید لیتچ، کارگردان بزرگ آمریکایی او را یکی از ۱۰ نویسنده محبوب معرفی کرد. اکنون رمان دیگری با عنوان «دریاس و جسدها» با همان مؤلفه‌های آشنای بختیار علی به بازار کتاب ایران آمده است. مؤلفه‌هایی که در رمان «آخرین انار دنیا» نیز به چشم می‌خورد؛ اگر در آخرین انار دنیا، مظفر صبحدم پس از ۲۱ سال اسارت برای یافتن فرزندش که سراسیمه نام دارد، به کشورش بازمی‌گردد، در حالی که جنگ داخلی آن رافرا گرفته و آنجاست که با پسرش سریاس صبحدم مواجه می‌شود، در رمان «دریاس و جسدها» نیز در ریاس پس از سال‌ها تحصیل و زندگی در اروپا هنگام بازگشت به کشورش، با سراسیمه‌ای در آستانه قیام و افتادن در

ورطه جنگ داخلی مواجه می‌شود؛ قیامی به رهبری ژنرال بلال اشکراد.

در ریاس که از پس سال‌ها دوری در سرزمین مادری‌اش همچون غریبه‌ای بی‌هویت است، ناخواسته و به‌رغم این که تلاش می‌کند از آن بپرهیزد، درگیر ماجرای قیام و سرنوشت زندگی ژنرال اشکراد و روحش که پس از مرگ به میان مبارزان طرفدارش بازمی‌گردد، می‌شود. او که حالا به همراه تعدادی از اهالی شهر به جمع آوری و خاکسپاری جنازه کشته‌شدگان در جنگ مشغول است، رفته رفته با واقعیت‌های بسیاری درباره سرزمین، مردم و رهبران حاکم بر آنان روبه‌رو می‌شود. حقایقی که در ریاس را از پوسته آن غریبه بی‌هویت و بیگانه با سرزمینش جدایی می‌کند.

بختیار علی در رمان دریاس و جسدها نیز با توسل به شکلی از رئالیسم جادویی، البته نه آنچنان که در رمان آخرین انار دنیا، از او سراغ داریم، همان دغدغه‌های همیشگی‌اش را با مخاطب در میان می‌گذارد. در این رمان نیز به تلاش طبقه فرودست برای برون‌رفت از شرایط گرفتار در آن روبه‌روایم. تلاش برای رسیدن به آزادی و زندگی بهتر. هر چند گویی

حضور یک رهبر، یک فرمانده و یک مرد شد، اساساً انگیزه‌های مردم در جهت تلاش برای رسیدن به خواست‌ها در میان مردم به وجود نمی‌آید. برای همین هم هست که ژنرال اشکراد حتی پس از قتلش هم باز باید به میان حامیانش بازگردد، چون می‌داند که این مردم برای آغاز و ادامه یک قیام به دو چیز به‌عنوان محرک نیاز دارند؛ قهرمانی تر جیحا کشته‌شده و رهبری حاضر و چه بهتر که این دو یک نفر باشند.

بختیار علی در جایی از کتاب از زبان تاریخ‌دانی فلج خطاب به دریاس می‌گوید: «سرزمین ما از همان روزهای دور، ملتی قدرتمند، طبقه‌ای قدرتمند و حتی مذهب و عقاید و ایدئولوژی قدرتمند نداشته است و فقط سرزمین مردان قدرتمند بوده است. اینجاسرزمین مردان قدرتمند است. هیچ پدری اینجا کشته نمی‌شود. همه به حیات خود ادامه می‌دهند. حتی گورها و اشباح پدران از خودشان قوی‌تراند». همین جملات نمایانگر وابستگی همیشگی مردمان مشرق زمین به وجود رهبر و مرشد است. بنابراین می‌توان گفت که دریاس و جسدها، رمان قیام مردم عادی از ظلم و فساد دستگاه حاکم زیر سایه قائد اعظم است و در این بین مخاطب به واسطه دنبال کردن دریاس با روند، خواست و انجام این قیام آشنا و مواجه می‌شود. دریاس و جسدها، رماتی در تمنای آزادی است که سال‌هاست رویای بخش اعظمی از مردم جهان است. رویای مشترک جسدها و زنده‌ها. رویایی به‌درازای عمری که بر جهان گذشته است.



جهانی که بعضاً در آن جسدها و قبرها اهمیتی بیشتر از زندگان دارند. دریاس و جسدها را می‌وان حلبچه‌ای ترجمه و نشر ثالث منتشر کرده است.